



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: ترتب - تنبیهات: تنبیه اول
سال دهم
تاریخ: ۲۸ / بهمن / ۱۳۹۷
مصادف با: ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۰
جلسه: ۷۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تنبیه اول

در ادامه بحث ترتب و پایان این بحث تنبیهاتی مطرح شده است. محقق نایینی چند تنبیه بیان کردند. بعضی از بزرگان دیگر نیز تنبیهاتی را در این مقام متعرض شده‌اند و که ما برخی از این تنبیهات را در گذشته بیان کردیم و برخی باقی مانده؛ ولی مطلبی که به نظر می‌رسد به عنوان تنبیه لازم است ذکر کنیم، (گرچه مستقلاً به عنوان یک تنبیه در کلمات خود محقق نایینی نیامده ولی توجه به این مسئله مهم است و مجموع کلمات محقق نایینی در باب ترتب در این چارچوب است) این است که تراحم پنج قسم دارد:

اقسام تراحم

قسم اول: جایی است که بین متعلق دو حکم تضاد پیش بیاید. زیرا این دو متعلق، در زمان واحد اجتماع می‌کنند. مثل این که دو نفر با هم در حال غرق شدن هستند، این جا ما دو تکلیف داریم: «انقذ هذا الغریق» و «انقذ ذاک الغریق» این دو تکلیف باهم تراحم پیدا کردند، یعنی در مقام امثال امکان اتیان به هر دو وجود ندارد و این ناشی از تضادی است که بین متعلق این دو تکلیف است. چون این دو ضد هم می‌باشند، امکان این که مکلف هر دو را اتیان کند وجود ندارد.

قسم دوم: جایی است که مکلف قدرت جمع بین دو متعلق را ندارد، بدون این که بین این دو متعلق تضاد باشد. مثل قیام در رکعت اول یا رکعت دوم (یا به تعبیر برخی قیام در نماز ظهر و قیام در نماز عصر). فرض کنید مکلف بیشتر از یک رکعت در نماز نمی‌تواند بایستد، یعنی بیش از یک رکعت ایستادن در نماز برای او ممکن نیست، منتهی این قیام یا باید در رکعت اول باشد یا رکعت دوم. تضادی بین قیام در رکعت اولی و قیام در رکعت ثانیه نیست، اما مکلف از این که هر دو را اتیان کند ناتوان است. پس این جا قصور قدرت مکلف از جمع بین این دو تکلیف مطرح است، بدون این که بین متعلق این دو تکلیف تضاد باشد. زیرا زمانشان فرق دارد، زمان رکعت اولی و زمان رکعت ثانیه در نماز کاملاً متفاوت است.

قسم سوم: مربوط به تلازم المتعلقین است. مثل این که انسان اگر رو به قبله بایستد قهراً استدبار الجدی پیدا می‌کند. رو به قبله بودن با استدبار الجدی با هم متلازم هستند. مکلف نمی‌تواند هر دو را باهم اتیان کند، زیرا استقبال به یک جهت ملازم با استدبار جهت دیگر است.

قسم چهارم: جایی است که از این دو متعلق یکی مقدمه دیگری باشد. مثلاً شخصی در استخر خانه خودش در حال غرق شدن است، اگر این شخص بخواهد او را نجات دهد، لازم‌اش تصرف در ارض غیر، یعنی غصب است و غصب مقدمه نجات مؤمن است.

باید اول غصب را مرتکب شود تا بتواند او را نجات دهد. از یک طرف مکلف نباید غصب کند و از یک طرف باید دیگری را نجات دهد.

قسم پنجم: جایی است که دو متعلق در یک وجود اتحاد پیدا می‌کنند. اتحاد متعلقین فی الوجود، مثل نماز در دار غصبی. کسی که نماز می‌خواند، نمازش امر دارد. در کنارش نهی از غصب نیز وجود دارد. این جا نیز تراحم بین امر به نماز و نهی از غصب پیش می‌آید، زیرا این دو متعلق (متعلق امر و نهی) اتحاد وجودی پیدا کردند و در خارج وجودا یکی شده‌اند. پس ما پنج قسم تراحم داریم.

محقق نایینی می‌فرماید: عنوان نزاع در مسئله ترتب طبق آنچه که در کلمات اعلام مطرح شده، در خصوص قسم اول است. ما پنج قسم برای تراحم گفتیم، اما نوعاً بزرگانی که در مورد ترتب بحث کردند، فقط در خصوص قسم اول بحث کردند. یعنی جایی که بین دو متعلق تضاد وجود داشته باشد. زیرا فی زمان واحد واقع شدند و الا اگر در زمان واحد نبودند مشکلی نبود، مثل ازاله و نماز، ازاله نجاست از مسجد فی نفسه هیچ تضادی با نماز در مسجد ندارد، اما اگر این‌ها در زمان واحد مجتمع شوند، بینشان تضاد پیدا می‌شود. پس منشاء تضاد بین این دو، اجتماع این دو در زمان واحد است. حال بحث این است که آیا از این پنج قسم، ترتب فقط در قسم اول جریان دارد یا در سایر اقسام نیز جاری است؟

آنچه از بحث ترتب تا کنون مطرح شده یعنی اشکالات محقق خراسانی، کلمات خود محقق نایینی، تصویری که دیگران مثل محقق اصفهانی، محقق عراقی و محقق بروجردی نوعاً برای ترتب ارائه دادند مربوط به قسم اول است. یعنی جایی که تضاد بین متعلق‌ها به خاطر اجتماع در زمان واحد است، اما در مورد سایر اقسام تراحم، آیا مشمول بحث ترتب یا به تعبیر دیگر امر ترتبی هستند یا خیر؟

محقق نایینی بعد از آن که بحث‌های مبسوط خود را در باب ترتب ذکر کردند و بعد از چند تنبیه، سراغ قسم دوم، سوم، چهارم و پنجم می‌روند و یکی یکی این اقسام را بررسی می‌کنند که آیا در آن اقسام چهار گانه نیز مسئله ترتب جریان دارد یا خیر؟ ایشان می‌فرماید: «فالاولی جعل الکلام فی باب الترتب فی مسائل الخمس حسب اقسام التزاحم وافراد کل قسم بالبحث عن جریان الترتب فیه»؛ بهتر این است که بحث ترتب را در این پنج قسم به صورت مستقل و جداگانه دنبال کنیم. ایشان این مطلب را در ضمن پنج مسئله بیان می‌کند.

مسئله اول

مسئله اول درباره امکان ترتب در متزاحمین است که این تراحم به خاطر تضاد بین متعلق آن‌ها است که به طور مفصل درباره‌اش بحث شد، ولی «کان احدهما اهم من الآخر» یکی از این دو اهم از دیگری است. بحث‌هایی که تاکنون داشتیم بر این اساس بود که یک اهم داریم و یک مهم و بین این‌ها تضاد است، زیرا در زمان واحد می‌باشند و این همه بحث که تاکنون داشتیم به این قسم مربوط است. البته تنبیهاتی که در ذیل بحث ترتب مطرح شده نوعاً به همین مسئله اول مربوط است.

مسئله دوم

^۱ فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۳۶.

پیرامون قسم دوم تراحم است که آیا در قسم دوم ترتب ممکن است یا خیر؟ (یعنی همین بحث هایی که در امکان و استحاله ترتب داشتیم و همه مربوط به دو تکلیف بود که بین متعلق آن‌ها تضاد است و این تضاد ناشی از اجتماع این دو تکلیف در زمان واحد است مثل ازاله نجاست از مسجد و نماز) یعنی جایی که تراحم به خاطر تضاد متعلقین دو تکلیف نیست، زیرا اساساً تضادی وجود ندارد. طبق فرض در قسم دوم بدون این‌که تضادی در دو متعلق باشد خود مکلف قدرت بر جمع بین این دو متعلق و دو تکلیف ندارد، «کالتیام فی الركعة الاولى و الثانية» این جا می‌خواهیم ببینیم آیا خطاب ترتبی در این مسئله امکان دارد یا خیر؟ محقق نایینی می‌فرماید: خطاب ترتبی در این مسئله «مما لا یمکن و لا یعقل»، معقول و ممکن نیست.^۱

اصل بحثی که در قسم اول داشتیم این بود که فرض کنیم مکلف قدرتش را صرف یکی از این دو متزاحم کند. در حالی که یکی از این دو متزاحم اهم است. این جا بحث بود که اگر این قدرت را صرف اهم نکند، یعنی صرف ازاله نکند، بلکه صرف مهم کند، دیگر جایی برای اتیان به اهم نیست. پس عصیان و مخالفت محقق شده است. می‌خواهیم ببینیم که آیا این قدرتی که صرف مهم کرده و آن را امتثال کرده، نهایتاً برای او متبوت دارد یا نه؟ از باب اتیان به مهم ثوابی برای او نوشته می‌شود یا نه؟ آن جا فرمودند: بله، زیرا این مهم نیز امر دارد، منتهی به نحو ترتبی. حال می‌توانیم این مطلب را در مانحن فیه تطبیق کنیم، یعنی بگوییم قدرتی که باید صرف قیام در رکعت اول شود اگر صرف در قیام رکعت دوم شود، آیا صحیح است؟ آیا می‌توانیم بگوییم: این مکلف به خاطر مخالفت با امر اول مستحق عقوبت است و به خاطر امتثال امر دوم مستحق ثواب است؟ به همان نحوی که در مسئله اولی ترتب را درست کردیم این جا هم ممکن است یا خیر؟

محقق نایینی می‌فرماید: این جا «مما لا یمکن و لا یعقل» معقول و ممکن نیست بتوانیم ترتب را جاری کنیم. این جا یک بحث مفصلی وجود دارد و محقق نایینی دلیل بر این مطلب نیز بیان کردند که آن را ذکر نمی‌کنیم و از آن عبور می‌کنیم.

مسئله سوم

مربوط به قسم سوم از اقسام پنج گانه تراحم است و آن جایی است که تراحم به خاطر ملازمه بین متعلقین باشد. این جا نیز محقق نایینی می‌فرماید: اقوی این است که امر ترتبی جریان پیدا نمی‌کند. زیرا «یلزم منه طلب الحاصل»، این جا طلب حاصل است. اگر استقبال قبله ملازم با استدبار الجدی که مأمور به اصلی است باشد، اگر مکلف بخواهد از راه ترتب این مشکل را تصحیح کند، تحصیل حاصل است. لذا این جا نیز ترتب جریان پیدا نمی‌کند.^۲

مسئله چهارم

مربوط به جایی است که یکی از این دو متعلق مقدمه دیگری باشد به عبارت دیگر تراحم بین مقدمه و ذی المقدمه واقع شود. محقق نایینی می‌فرماید: «الاقوی جریان الترتب فیها» سپس بتفصیل درباره دو قسم مقدمه صحبت می‌کند که تارة مقدمه بر ذی المقدمه سبق وجودی دارد، مثل تصرف در زمین غصبی برای انقاز غریق و گاهی این‌ها مقارن هم می‌باشند، یعنی مقدمه با وجود ذی المقدمه هم زمان می‌باشند و سبق وجودی ندارند، مثل تصرف در آبی که غریق در آن افتاده است، معلوم است وقتی مکلف می‌خواهد برای

^۱ فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۸۰.

^۲ فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۸۴.

نجات غریق وارد آب شود، هم زمان با غضب در آب و تصرف در آب انقاد غریق هم هست. لذا مقارنت مطرح است. در هر دو صورت ترتب جریان دارد.^۱

مسئله پنجم

جایی است که تراحم بین دو متعلق به خاطر اتحاد وجودی دو تکلیف در خارج باشد، مثل نماز در دار غصبی. در این صورت نیز «لایمکن جریان الامر ترتیبی فیه»، زیرا یا سر از طلب محال درمی آورد یا سر از طلب حاصل و هر دو باطل و محال هستند.^۲ پس در مجموع ملاحظه کردید که تمام بحث ترتب که از ابتدا مطرح کردیم و در کلام بزرگان نیز مشاهده کردید، مربوط به قسم اول تراحم است. در چهار قسم دیگر تراحم نیز به نظر ایشان ترتب در برخی ممکن است و در برخی دیگر ممکن نیست.

«الحمد لله رب العالمین»

^۱ فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۸۳.

^۲ فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۹۲.